



## راه کارهای احیای هویت ملی در کودکان

مرضیه بابایی زاده

babaei2625@vatanmail.ir

### چکیده :

در این مقاله بیان شده است که برای جلوگیری از اشاعه فرهنگ های غیرخودی لازم است که از همان ابتدا، کودکان با مقوله هویت ملی کشورشان آشنا شوند. چون درک فلسفه وجودی هریک از عناصر هویت و پی بردن به اهمیت و ارزش هریک از آنها باعث می شود که آنها قدر هویت کشور خودشان را بیشتر بدانند در این راستا باید نظام تعلیم و تربیت و برنامه ریزان درسی متناسب با دوره ها و گروه های سنی ، هویت گذشته خود را که حاصل میراث غنی گذشتگان است با نوآفرینی و پیشرفت های روزافزون دانشمندان درآمیزند و متناسب با نسل جدید آن را بازآفرینی کنند و در کتابهای درسی بیاورند و این امر بدون همکاری خانه ، اجتماع و رسانه های گروهی امکان پذیر نمی باشد.

**کلمات کلیدی :** هویت ملی ، بازآفرینی، میراث فرهنگی، کودکان



مقدمه :

در هیچ یک از فرهنگ های بزرگ جهانی به قدر فرهنگ ایران صدای انسانیت ، صدای عدالت، صدای محبت بلند نیست این فرهنگ چندصدایی است. فرهنگ تک صدایی صدای روح نیست بلکه صدای نفسانیت است(زرین کوب، ۱۳۸۰ص۱۳). مقوله هویت یکی از دغدغه های مکرر بشر در گستره تاریخ بوده و اساسی ترین علامت مقدمه پرسش در رویه ساختار ذهنی نوع بشر محسوب شده است یعنی توجه به این نکته مهم که من یا خود (که) هستم و غیر یا دیگر در تقابل با من کیست و وجوه و ابعاد فردی اجتماعی و فرهنگی این (من) در چیست. بنابراین بازشناختن هویت ملی، اکنون هم برای باز یافتن عزت نفس و کرامت انسانی خویش ضرورت دارد، هم برای نیل به وحدت و وفاق ملی که از توفیق در روابط و تعاملات بین المللی است و هم برای احراز مقام و موقعیت واقعی خود در میان ملتها و فرهنگهاست. خداترسی، معادباوری و اعتقاد به پاداش و کیفر نسبت به کارهای نیک و بد این جهان، خردورزی و دانش دوستی، میانه روی ، آزادی و آزاداندیشی ،سعه صدر و تحمل مخالفت، عدالت پیشگی ، جوانمردی ، مردم داری ، وفاداری و فداکاری از جمله ارکان و مبنای فرهنگ سازی است که به طور مستمر جزو آموزها و اندرزهای خردمندان و پیشوایان قوم بوده و تکرار و تاکید آنها در تعیین سمت و سوی زندگی فردی و اجتماعی مردم تاثیر بسیار نهاده است. اکنون نیز حفظ و تقویت هویت ملی به پاسداری و ترویج این عناصر در بین نسلها باز بسته است که البته تنها با احیا و بازسازی و ترویج هویت ملی و تربیت کودکان و نوجوانان و جوانان بر مبنای نظام فرهنگی مبتنی بر این سنتها و ارزش ها و اصالت ها میسر است. در این مقاله سعی کردم راه کارهای اجرایی احیای هویت ملی و نقش آنها در شکل پذیری شخصیت رفتاری و فرهنگی کودکان و نوجوانان ارائه دهم.

## ۱. اولین لرزه های هویت در ایران

ایرانیان معاصر دارای هویتی سه گانه یعنی ایرانی، اسلامی و غربی هستند(شایگان، ۱۳۸۰). قوم ایران در سه مرحله حساس تاریخی مثلث هویتی خود را ساخته است. یک ضلع مثلث از دوران تاریک اساطیر تا فروپاشی دولت ساسانی ضلع دوم آن از آشنایی آنان با فرهنگ اسلام و سومین و جدیدترین ضلع که در طول یکصد و پنجاه سال اخیر به وجود آمده است آشنایی ایرانیان با غرب است. اولین لرزه های هویتی ایران از همین جا آغاز شد که ایرانیان با شناخت و توصیف غرب پی به عقب ماندگی خود بردند. در این راستا از سوی نخبگان فکری - سیاسی دو دیدگاه ارایه شد. گروه اول برخی نخبگان فکری- سیاسی مانند ملکم خان و میرزا آقاخان کرمانی، عامل اصلی عقب ماندگی در ایران را همان فرهنگ، باورها و اعتقادات ایرانی می دانستند و به دنبال آن به شناخت و شرح و توصیف غرب برآمدند تا شیوه ها و ارزش های فرهنگ غرب را در ایران پیاده کنند این کار متأسفانه منجر به ضعف و شکاف در هویت ایرانی شد ولی در این بین گروه دوم از نخبگان دینی - سیاسی مانند سیدجمال الدین اسدآبادی ، شیخ الرئیس ، شیخ فضل الله نوری و آخوند ملامحمد کاظم خراسانی ضمن پذیرش اجمالی الگوها و روش های غربی به عنوان «روش» و تجربه بشری، به هویت ایرانی -اسلامی تاکید داشتند و معتقد بودند که مبنای پیشرفت و توسعه را باید از فرهنگ و اعتقادات خود اخذ کنیم و در نتیجه باعث تقویت و حفظ هویت ایرانی شدند. با این حال شرایط جهانی و صنعت و تکنولوژی غرب به طور روزافزون دیدگاه گروه اول را قوت بخشیده و خواسته ها و پیش بینی آنها، هر روز بیش از گذشته محقق گردیده است. از آنجا که ملت مبنای تشکیل واحد سیاسی و مبنای مشروعیت و قدرت دولت محسوب می شود و اساس هر کشور است (بوزان، ۱۳۷۸)کشورهایی قدرتمند و صاحب نفوذ به شمار می روند که از ملت منسجم و هویت ملی یکپارچه ای برخوردار باشند پس با برنامه ریزی و اجرای مناسب طرحهای یکپارچه انسجام ملی می توان هویت ملی را در کشورمان حفظ و تقویت کنیم.

ایران به عنوان کشوری، باستانی که ملت آن تجربه هزاران سال زندگی با یکدیگر را دارند از عناصر قدرتمند هویت ملی برخوردارند و دارای باورهای مشترک، ارزش های مشترک و هنجارهای مشترکی هستند و اعضای این اجتماع بزرگ و

دل‌بستگی عاطفی و احساسی به یکدیگر دارند که هر یک می‌تواند در انسجام ملی و تقویت هویت ملی موثر باشند (فصلنامه مطالعات ملی، تابستان، ۱۳۷۹، ص ۲۷). با توجه به اینکه امروزه فرهنگ غربی به جد در سراسر جهان و از طریق وسایل ارتباطی، حتی در همه خانه‌ها حضور دارد و هویتها نیز در طول زمان متحول و متکامل می‌شوند و پویا هستند واضح است که این سیر تکامل هویتی به نفع خود هویت و عناصر اصلی سابق نباید باشد بلکه باید با توجه به نیاز دنیای امروز، عناصر پیشین را بسط داده و تلفیقهای تازه‌تری از آنها را ارایه بدهد یا عناصری را به آنها بیافزاید (موسسه مطالعات ملی، پاییز ۱۳۷۹). بنابراین مسئولین سیاسی- فرهنگی این وظیفه را دارند که به دور از هرگونه افراط و تفریط و با احیای درست و به روز عناصر فرهنگی و تمدن خودی، هویت ایرانی را در مقابل هویت‌های غربی و اغیار، تقویت و برای نسل جدید درونی نمایند نه اینکه با سیاست‌گراییهای غلط آن‌ها را از پیشینه و عقبه غنی و قابل افتخار خود برانند و به صورت طبیعی به دامن بیگانگان بیندازند.

## ۲. هویت ملی

فرایند پاسخگویی آگاهانه هر فرد به یک دسته از سؤالات در مورد خودش را هویت می‌گویند (باوند، ۱۳۷۷). احساس تعلق و وفاداری به عناصر و نمادهای مشترک در اجتماع ملی مانند سرزمین، دین، آداب، تاریخ، زبان و ادبیات را هویت ملی می‌گویند (یوسفی، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر هویت ملی بر اساس نوعی احساس تعهد و عاطفه نسبت به مجموعه‌ای از مشترکات ارزشی جامعه شکل می‌گیرد که موجب وحدت و انسجام جامعه است و بخشی از هویت فرد را تشکیل می‌دهد (رزازی، شماره ۵، ص ۶۵).

در مواجهه با هر نگرش یا پدیده‌ای ابتدا باید آن را شناخت چه معتقد باشیم که هویت ایرانی در معرض تهدید یا تضعیف قرار گرفته است و چه به تهدید آن قائل نباشیم ولی در پی تقویت آن باشیم ابتدا باید ابعاد مختلف و ریشه‌های هویت ایرانی را بکاویم

در باب هویت ملی از سه عنصر زبان، تاریخ و دین مشترک به عنوان ارکان اساسی هویت ملی نام برده می‌شود (رواسانی، ۱۳۸۰، ص ۲۲). ولی باید این ارکان اساسی را به شاخصهای دیگر وسعت بخشید چرا که هویت ملی فرایندی ترکیبی است که از ابعاد و مؤلفه‌های چندسویه تشکیل شده است که با بررسی و مطالعه تحقیقات و پژوهشهایی که در مورد هویت ایرانی صورت گرفته است می‌توان مؤلفه‌های زیر را در شناسایی هویت ایرانی برشمرد که شامل باورهای دینی، مراسم و آیین‌های ملی و مذهبی، نمادهای ملی، هنجارها و ارزش‌های ملی، میراث فرهنگی، اسطوره‌ها، حماسه و قهرمانان ملی و مذهبی و آگاهی از جغرافیا و حدود و ثغور مرزهای سیاسی و فرهنگی کشور می‌شود سوالی که در اینجا مطرح می‌شود این است که کدام مؤلفه هویت ملی - ایرانی از اهمیت بیشتری برخوردار است حقیقت این است که نمی‌توان اهمیت و ارزش هیچ یک از این سویه‌ها را نادیده گرفت. مغفول ماندن از هر یک از این ابعاد و عناصر، ما را از تحلیل درست، دور خواهد کرد. بنابراین باید برای هر یک از این عناصر نقش کلیدی در نظر بگیریم. حال که هویت ملی و مؤلفه‌های آن را شناختیم سؤالات زیر مطرح می‌شود:

۱- مسؤولیت عمده تحقق بخشیدن هویت ملی بر عهده چه کسی است؟

۲- شناخت و آشنایی با مؤلفه‌های هویت ملی باید از چه دورانی مورد توجه قرار بگیرد؟

۳- شناخت این عناصر هویتی در دوران کودکی چه اهمیتی دارد؟

۴- آیا می‌توان این عناصر را در کودکانمان نهادینه کنیم؟ اگر جواب مثبت است چگونه و از چه راهی؟ در ادامه به تک تک سؤالات بالا پاسخ داده خواهد شد. قطعاً مسؤولیت عمده در تحقق بخشیدن به هویت ملی بر عهده نظام تعلیم و تربیت رسمی (formal education) است هر چند نباید سهم خانواده، جامعه و رسانه‌های گروهی را در این زمینه نادیده گرفت. بهترین زمان برای آشنایی با هویت ملی کشورمان در دوران کودکی و پیش از دبستان است چرا که ذهن ناآماده کودک بهترین زمینه برای

پذیرش ارزش های تازه است ولی این مساله نباید فقط به دوران پیش از دبستان ختم شود و باید در هر دوره تحصیلی راهبردی اتخاذ شود که دانش آموزان در هر دوره تحصیلی به چه میزان و تا چه حد با مولفه های هویت ملی آشنا شوند و همچنین نحوه تدوین محتوای درسی در این خصوص چگونه صورت پذیرد که این هدف را تامین کند. حال که بهترین زمان برای آشنایی هویت ملی کشورمان دوران کودکی است به قول مولانا (چون سر و کارت با کودک فتاد پس زبان کودکی باید گشود) چه راهی وجود دارد تا هویت ملی را در کودکانمان نهادینه کنیم؟ مشخص است که شکل پذیری هویت در نهاد کودکان وابسته به آشنایی آنها با هویت ملی و میراث فرهنگی کشورشان است و در دوران پیش از دبستان می توان کودک را با مشاهیر، ادبیات، اسطوره ها، آداب و رسوم ملی آشنا کرد به شرط آنکه ابزار لازم آن را در اختیار داشته باشیم. که این ابزارها می تواند در قالب قصه و داستان- نقاشی - کارتون ، سینما و بازی رایانه ای نمود پیدا کند. شکل نگرفتن هویت در وجود کودک و نوجوان، به بحران هویت منجر می شود و آنان را شهروندانی بی مسئولیت و بی توجه به مصالح مملکت بار می آورد که بستر مناسبی برای تحقق اهداف بیگانگان و ترویج و اشاعه فرهنگ های غیرخودی خواهند بود. و اگر افراد به هویت ملی کشورشان پایبند نباشند با خطر از خود بیگانگانی نسل جدید مواجه و دلبستگی به هویت بیگانه را سبب می شود (احمدی، ۱۳۸۲، ص ۱۲). از آن جا که دنیای کودکان دنیای قصه ، داستان، کارتون، سینما، بازی و نقاشی و ... می باشد پس مهم است که بدانیم که هر کدام از آنها بر اساس ارزش های فرهنگ ایرانی هستند و یا بر اساس ارزش فرهنگ غرب پایه ریزی شده اند. واضح است که ارزش های پایه ای فرهنگ غرب تا حدود زیادی با ارزش های فرهنگ ایرانی در تعارض است. بنابراین ابتدا باید ارزش های فرهنگ ایران را بشناسیم و بعد آن را به کودکانمان انتقال دهیم.

### ۳. بازآفرینی و اهمیت آن:

اگر تقلید و تکرار رانمود ایستایی و نوآوری و ابداع را نشان پویایی بدانیم. پذیرفته ایم که جامعه ای که به تقلید آثار دیگران یا تکرار دستاوردهای پیشین خود می پردازد جامعه ای خمود ایستاست. حال آنکه جامعه ای با هویت پویا، پیوسته در پی نگرش های جدید به نوآفرینی و دستاوردهای مادی و معنوی خود همت می گمارد. از این رو شاید بتوان گفت یکی از مهم ترین مؤلفه های هویت پویا بازآفرینی آثار گذشتگان متناسب با نیازها و امکانات نسل جدید است و یکی از بارزترین جولانگاههای این بازآفرینی احیای خاطرات ملی و تعلقات فرهنگی در ابزارهای بیانی جدید است.

بازآفرینی یا بازاندیشی درباره هویت ملی، تعمق در چیستی و کیستی (ماهیت و شخصیت) مردمی است که قرنها در کنار یکدیگر زندگی کرده اند در غم و شادی هم شریک بوده اند و گذشته و خاطرات و مخاطرات مشترک داشته اند. این بازآفرینی از جهات بسیار ضرورت دارد. از طریق بازآفرینی یا بازاندیشی است که ما خود و پاره های وجودی خود را باز می شناسیم. حدود و وجود تمایز شخصیتی خود را باز می یابیم و در پی این شناخت. آگاهی دقیق تر و عمیق تر نسبت به دیگران و موقعیت و جایگاه خویش در قبال آنان پیدا می کنیم و با آنان تعامل و ارتباطی آگاهانه ، منطقی و مبتنی بر تفاهم در پیش می گیریم. بازآفرینی در مورد هویت نگاهی به گذشته تاملی در حال و رویکردی به آینده دارد. با توجه به مطالب بالا پس می توان هر یک از مولفه های هویت ملی کشورمان را در قالب داستان ، قصه یا کارتون ، سینما و یا بازی برای کودکانمان بازآفرینی کنیم تا آنها با فرهنگ و ارزش های ایرانی آشنا شوند هویت ملی شامل میراث فرهنگی، اسطوره های ملی و مذهبی ، ارزش های ملی و نمادهای ملی ، هنجارهای ملی، باورهای دینی و جغرافیا می باشد که به اختصار به نقش و اهمیت هر کدام در شکل پذیری شخصیت کودکانمان می پردازیم.

### ۴. میراث فرهنگی:

فرهنگ ایرانی در حیات سه هزار ساله خود، اگرچه در معرض هجوم ها و بحران های مکرر و آزمون های سخت واقع و به درنگ ها و وقفه هایی چند دچار شده ولی هرگز از استمرار و پویایی با نایستاده و از طریق تعامل سازنده و مثبت با فرهنگ های بیگانه و جذب و پالایش و پیدایش عناصر ناساز آن به رشد و بالندگی خود ادامه داده است (مددپور، ۱۳۸۱، ص ۸۱). میراث



فرهنگی هر قوم و ملتی شناسنامه حیات مادی و معنوی آن قوم است (ملاصالحی، ۱۳۸۱) و شامل اماکن باستانی ادبیات کهن و زبان می باشد.

#### الف: اماکن باستانی:

با بردن نوآموزان به اماکن باستانی و فراهم کردن امکان بازدید مطلوب و دقیق از آنها و ذکر ظرائف موجود در این آثار می توان آنها را با سوابق فرهنگی و تمدنی گذشته آشنا کرد و با بیان ارزش و اهمیت آنها، کودکان و نوجوانان را به قدردانی از میراث فرهنگی تشویق و ترغیب نمود. ضمناً در برنامه های درسی نیز معرفی این میراث باید از جایگاه ممتازی برخوردار باشد (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶).

#### ب: ادبیات کهن:

یکی از حوزه هایی که مفهوم هویت به شکل جدی می تواند در آن نظر گرفته شود ادبیات است.

ادبیات هر کشور در بردارنده میراث فرهنگی آن کشور است و ادبیات، شناسنامه و هویت هر ملت است که در سیر تاریخی به نگارش درآمده و در بردارنده عناصر هویتی بسیاری است که می تواند در شکل گیری به هویت فعلی جامعه اثرگذار باشد (کالر ۱۳۸۲- صص ۱۵۰-۱۴۸) و شامل مجموعه های داستانی، دیوان اشعار، آثار منثور ادبی کهن، ترانه ها، تصانیف، اندرزنامه ها، امثال و حکم و ... می باشد که موجب غنای هویت ملی در یک جامعه می شود. اگر در تمدن یونان، هنر نمایشی و در روم، هنر معماری و مجسمه سازی، در چین، هنر نقاشی بر سایر هنرهای هفت گانه برتری یافته و آیین تجلی بخش فرهنگ و هویت آنان شده، ملت و تبار ایرانی، این بخت و اقبال را یافته که هنر کلامی (ادبیات و شعر) به دلایل فرهنگی، اجتماعی و سیاسی در میان سایر هنرها بدرخشد و به کمال و بلوغ خویش برسد.

یکی از عرصه های ادبیات، داستان های کودک است. با توجه به اثرپذیری کودکان از داستان و از طرفی نیروی پذیرندگی بالای آن ها در دوران کودکی، این داستان ها می تواند در شکل گیری هویت کودکان مؤثر باشد بر این اساس و بنابر قول یکی از فرهنگ شناسان، شعر و ادبیات فارسی بی پروا تر از تاریخ بوده و لازم است وقتی از هویت ایرانی سخن می گوئیم قبل از تاریخ به شعر و ادبیات آن مراجعه کنیم (اسلامی ندوشن، ۱۳۷۹، ص ۷۵). بازآفرینی قصه های عامیانه سمک عیار به صورت قصه و یا کارتون و ... کودکان با روحیه جوانمردی، نجات مردم از دست ظالم، عدالت، انصاف، حلم، وقار، شجاعت، سخاوت، امانت داری، توکل و قناعت که از خصوصیات خلقی و هویت ایرانیان است آشنا می شوند (ناتل خانلری، ۱۳۶۴).

اندرزنامه ها در واقع یکی از دهها سرچشمه ای است که در اعصار مختلف جریان یافته و دریای فرهنگ ایرانی را شکل داده اند. اندرزنامه های پهلوی که محتوای حکمی و اخلاقی آنها به پادشاهان و حکمای ایران پیش از اسلام منسوب است غالباً در قرون نخستین اسلامی و در فضای دینی و فرهنگی بعد از اسلام تدوین و باافاصله به زبان عربی و بعدها به زبان فارسی ترجمه شده است یکی از حلقه های رابط فرهنگی دو دوره قبل و بعد از اسلام به شمار می رود. کتاب ابن مسکویه ابو علی احمدبن محمد مسکویه کامل ترین نمونه آن است. در واقع بازآفرینی اندرزنامه ها برای کودکان مبانی هویت فرهنگی زیر را برای آنها تداعی می کند

۱ دنیا و آخرت و کيفر و پاداش: از دیدگاه اندرزنامه ها نهایت خرد انسان در کوچک شمردن دنیا در مقایسه با نیکویی و نفاست آخرت فعلیت می یابد (ابن مسکویه، ۱۳۶۴، ص ۱۰۸). به هیچ لذت دنیا تکیه مکن. چه لذت دنیا همچون ابری است که در روز بهاری آید که به هیچ کوه نپاید (تفضلی، ۱۳۶۴، ص ۱۱).

۲ دانش و خرد و همنشینی با علما و خردمندان: محبوب ترین و دوست داشتنی ترین چیزهای دنیا بر تو علم و فضیلت است (ابن مسکویه، ۱۳۶۴، ص ۴۷).

اعتدال و مدارا و تساهل: مهربانی، کم آزاری، دلجویی پاس خاطر ناتوانان و بینوایان، نیک خواهی برای عموم مردم، فرمانبرداری از پدر و مادر، صله رحم و محبت به نزدیکان و خویشان از ویژگیهای فرهنگ ایرانی است که در اندرزنامه ها کاملاً مشحون است.

جوانمردی: جوانمردی هر کس را از شیوه رفتارش با دشمن می توان شناخت (رهیاب، ۱۳۸۱، ص ۸۸) با دشمنان به انصاف ستیزه کن (تفضلی، ۱۳۶۴، ص ۸). بعضی از صفات جوانمردان معطوف به سلوک اجتماعی و نوع رفتار آنان با مردمان است. دیدن معایب خود و محاسن مردمان، فروتنی، غمخواری، بخشندگی و نان دادن، مهمان نوازی، ناپسند خود را برای دیگران نخواستن و مدارا کردن با مردم از جمله ارزشهای اجتماعی است که کودکان با آن آشنا می شوند.

در آثار رودکی، خیام، مولوی و حافظ هم شادی و لذت طلبی هست و هم اعراض، هم شور زندگی کردن است و هم آگاهی بر بی اعتباری دنیا (اسلامی ندوشن، بی تا ص ۱۰۴).

بازآفرینی قصه های شاهنامه فردوسی برای کودکان هم می تواند به عنوان الگوی علمی نیز باشد. فردوسی خرد مردم ایران را با عنصر ذهنیت مشترک تاریخی و بعد شیعی پیوند می دهد و با استعانت از عنصر زبان فارسی و فرهنگ ایرانی مدل و الگوی تعادلی هویت ایرانی را ارائه می دهد. او که انسانی کنش گرا و در عین حال آرمان خواه است برای ایجاد ایرانی مقتدر و با هویت، الگویی مبتنی بر محورهای خداخواهی، خردورزی، شادکامی، نام جویی و دادگری را ارائه می کند او قهرمانانی می آفریند که زندگی و مرگشان موجب و موجد نوعی عبرت آموزی است (البرز، ۱۳۶۹). قصه های شاهنامه عرصه نمایش شایست ها و نشایست ها، گریز از پلیدی، روی آوردن به نیکی و در نهایت پیکار پیگیرانه با نابکارها برای تخت نشاندن راستکاری و رستگاری است. شاهنامه مظهر ایستادگی و تجسم خاستگاههای آرمانی و تبلوری از ویژگیهای تربیتی و اخلاقی قوم هویت مدار ایرانی است (البرز، ۱۳۶۹).

## ۵. زبان:

زبان فارسی نیز جزء موارث فرهنگی ایرانیان است که می تواند باعث گره خوردن افراد مختلف یا تلفیق های گوناگون باشد. از جمله آثاری که در کنار زبان عربی به زبان فارسی توجه نمودند می توان خصیصه الملوک امام محمد غزالی، آثار سهروردی (عقل سرخ، آواز پر جبرئیل)، اخلاق ناصری خواجه نصیرالدین طوسی و فردوسی اشاره کرد. شناخت انسان از جهان، وابسته به زبانی داشته شد که وی با آن تکلم کرد (باطنی ۱۳۸۰ ص ۸۷، باقری ۱۳۷۸ ص ۲۶، ۵۹). بنابراین تاریخچه یک ملت جدا از زبان آن ملت نیست (زبان حرف می زند نه انسان، انسان تنها آنجا حرف می زند که با زبان همراه باشد) (احمدی، ۱۳۷۸، ص ۶۱۵). زبان یک ملت در دنیای هویت و هویت شناسی، سازمان معنایی و ساختار چپستی یک ملت را تشکیل می دهد و ابزار مهم برای حفظ و انتقال فرهنگ به وسیله اندیشیدن، جهان بینی و کنش اجتماعی به شمار می رود. زبان در شکل دادن هویت ملی و فرهنگی تأثیر انکارناپذیری دارد اهمیت جدی زبان به حدی است که قدرتهای بزرگ با تحمیل زبانشان به قدرتهای کوچکتر در حقیقت حوزه گفتمانی مخاطبانشان را در می نوردند و مؤلفه های هویت که شامل عقاید به نگرشهای مذهبی و باورهای اساطیری است از مسیر زبان دگرگون می سازند تا با مؤلفه های صاحبان قدرت هر چه بیشتر منطبق گردد. و ما وظیفه داریم تا با آگاهی بخشیدن به کودکان و نوجوانان و با تأکید بر حراست از مرزهای زبانی و به کارگیری تمام امکانات و قابلیت های واژه فارسی از هویت فرهنگی و جایگاه مردم خود در عرصه بین المللی دفاع کنیم. امروزه زبان فارسی بیش از هر زمان دیگر در معرض هجوم قرار گرفته است پس اهمیت و ارزش زبان فارسی را به کودکان بشناسانیم و زبان فارسی را پاس بداریم.

## ۶. معرفی اسطوره های ملی و مذهبی:

یکی از عوامل مؤثری که در شکل گیری شخصیت کودکان و نوجوانان بسیار مؤثر و حائز اهمیت است کارتون ها یا انیمیشن ها و الگوپذیری کودکان و نوجوانان از قهرمانان این انیمیشن ها است. شرکت های بزرگ تولید کننده انیمیشن عمدتاً از سوی

کشورهای غربی حمایت می‌شوند به همین خاطر این شرکت‌ها آثار خود را براساس فرهنگ و ارزش‌های غربی تولید می‌کنند بنابراین وقتی کودکان ما به طور پیوسته پای محصولات غربی می‌نشینند رفته رفته از هویت ایرانی خود جدا شده و به هویت غربی نزدیک می‌شوند. (صادقی نیا و بنی اسدی، ۱۳۹۴). در یک انیمیشن عموماً یک اتفاق از حالت طبیعی خارج شده و به صورت فانتزی برای کودکان و نوجوانان به نمایش در می‌آید این نکته باعث می‌شود که آثار این حوزه برای آنها جذاب بوده و از این کارتون‌ها و انیمیشن‌ها تأثیر بپذیرند و با همانند سازی رفتارها و حرکات، به دنبال اجرا و تقلید از آن‌ها باشند. بنابراین لازم است در کنار حمایت دولت دست اندرکاران حوزه انیمیشن در ساخت آن از اسطوره‌ها و حماسه‌های ملی کشورمان بهره ببرند تا کودکان ضمن الگوپذیری صحیح از قهرمانان ایرانی، آنها را بشناسند. (روزنامه جام جم، ۱۳۹۶). در شاهنامه فردوسی می‌توان نمونه‌های فراوانی از این گونه اسطوره‌ها مانند رستم و سهراب، کاوه آهنگر، کیومرث گلشاه و نیز تهمورث را مشاهده کرد. هر کدام از اسطوره‌ها در شاهنامه دارای خصلت دین داری، خداپرستی و عدالت هستند (البرز، ۱۳۶۹). نظام تعلیم و تربیت وظیفه‌ای که در قبال تحقق بخشیدن به هویت ملی دارد می‌تواند از طریق معرفی اسطوره‌ها نیز دنبال نماید لذا ذکر نام و یاد آنها و نقشه‌هایی که به آنها منتسب کرده‌اند در کتابهای درسی امری ضروری است و باید در دستور کار برنامه ریزان درسی نظام آموزش و پرورش قرار بگیرد (حیاتی و حسینی، ۱۳۸۶).

## ۷. ارزشهای ملی و نمادهای ملی:

بخشی از ارزشها را در هر جامعه‌ای ارزش نمادهای ملی تشکیل می‌دهند مثلاً احترام به پرچم، رعایت سکوت و ایستادن در هنگام سرود ملی، ارزش قائل بودن برای شهیدان دفاع مقدس و همه سردارانی که در دفاع از مرزهای این مرز و بوم جان به جان آفرین تسلیم کردند و در نزد خداوند روزی می‌خورند همه می‌توانند نمونه‌هایی از این ارزشها باشند و می‌توان در مراکز آموزشی و مدرسه‌ها به بچه‌ها یاد داد مثلاً در صف صبحگاه با خواندن دسته جمعی سرود ملی به همراه برافراشته شدن پرچم کشورمان این ارزشها را یادآور شد یا با برگزاری نمایشگاهی از دهه فجر و دفاع مقدس و بازگویی خاطرات آن دوره، بچه‌ها و کودکان را با این ارزشها آشنا کرد. (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶) برای آشنایی هر چه بیشتر کودکان و نوجوانان با نمادهای ملی باید راهبردی مشخص اتخاذ شود که از طریق آن معلوم گردد اولاً دانش آموزان در هر دوره تحصیلی با چه نمادهایی و تا چه حد آشنا شوند و این که نحوه تدوین محتوای درسی در این خصوص چگونه صورت پذیرد که این هدف را تأمین کند (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶).

## ۸. مراسم و جشنها و مناسک مذهبی:

آنچه در درجه اول باید مورد توجه قرار بگیرد این است که کودکان باید عادات مربوط به شرکت در این مراسم و جشنها و مناسک را فرا بگیرند و سپس با اهمیت وجود آنها و تأثیرات ناشی از آنها آشنا شوند و بعدها در سنین نوجوانی از فلسفه و دلایل برگزاری آن مطلع گردند مثلاً برای آشنایی با مناسک حج، طواف کردن به دورخانه‌ای که شباهت به خانه کعبه ساخته شده است عملاً بچه‌ها طواف کردن را به طرز صحیح فراگیرند این امر می‌تواند در مورد سایر مراسم و مناسک مذهبی نیز مصداق داشته باشد (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶). برگزاری مراسم و مناسک مربوط به اعیاد مذهبی مانند عید فطر، عید قربان و عید غدیر از آن جمله می‌باشند. قطعاً درج مطالبی در کتابهای درسی دانش آموزان در خصوص جشنها، مراسم و مناسک امری ضروری است زیرا اهداف محتوای آموزشی در هر جامعه‌ای از فلسفه اجتماعی همان جامعه تبعیت می‌کند و رعایت آداب مربوطه به هر یک از جشنها و مراسم و مناسک ضروری است. (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶). شایان ذکر است که توجه به اولویتها در برنامه‌های درسی و محتوای درسی در خصوص جشنها و مراسم و مناسک باید مورد نظر باشد چنانچه توجه به آنها از قدیم الایام مطمح نظر فیلسوفانی چون افلاطون و ارسطو بوده و در کتابهای «نوامیس» و «سیاست» می‌توان مباحث مربوط به این گونه امور را یافت. (حیاتی و حسینی موخر، ۱۳۸۶).



## ۹. باورهای مذهبی و دینی :

اگر بر این باور باشیم که هویت ایرانی حاصل امتزاج فرهنگ ایرانی - اسلامی است باید همراه با حفظ فرهنگی ایرانی به حراست از فرهنگ دینی بپردازیم و لذا باید مقدمات تربیتی دینی را حتی قبل از تولد طفل آغاز کنیم. یکی از راههای آموزش باور دینی و مذهبی آشنا کردن نونهالان با قرآن و قصص قرآنی است. در قرآن قصه ها نه تنها بر واقعیت تطبیق دارند بلکه مهمترین و حساس ترین وقایع تاریخ انسان هاست. قرآن از مجرای قصص خود بزرگ ترین لغزش ها و معمول ترین انحرافات بشری را به شیوه ای بی نظیر زیبا و جذاب به نمایش گذاشته است (شفیعی، ۱۳۷۸).

کودک در لابه لای قصص شیرین و زیبای قرآن

بت شکنی و مبارزه با تمامی مظاهر شرک و کفر را از ابراهیم

کمال بندگی در اوج توانگری را از سلیمان

صبر را از نوح و ایوب و موسی و یعقوب

حکمت و فرزاندگی را از لقمان

پاکدامنی و عفت را از یوسف

کبر شیطان که باعث مغضوب خدایش گردید

به چرایی رانده شدن انسان از بهشت

به حسادتی که باعث قتل هابیل به دست برادرش شد

به موسی کوچک که مادرش از شر فرعونیان به آتش انداخت و خداوند با لطف ، حامی و نگهدارنده بود

به کرامتی که در وجود آسیه ، زن ستمگر فرعون بود

به پسر بدکردار نوح که حتی فرزند پیامبر بودن هم نتوانست از خشم خدا رهایی یابد

به سگ اصحاب کهف

به حضرت یونس که با توکل به خدا از شکم ماهی نجات یافت

به بهانه های قوم بنی اسرائیل و گوساله پرستی آنها

به آزارهایی که پیامبر ما از کافران دید و گذشت و مهربانی پیامبر در برابر بدی ها

به پرنده هایی که با سنگ در منقارشان به جنگ با دشمنان خدا رفتند.

وقتی خداوند در قرآن کریم از کامل ترین قصه هایش چون داستان یوسف، ابراهیم، نوح، قارون و ... سخن می گوید در لابه لای آنها نمودی از دنیای حال خود را می گنجاند. آیا کودکان در زمان خود افرادی چون فرعون ستمگر، قارون مال اندوز، شداد ظالم یا موسی و هارون و ... را ندارند. بنابراین مهمترین آثار تربیتی قصص قرآنی در فرایند آموزش و پرورش کودکان عبارتند از:





پرورش ایمان مذهبی

پرورش عقل و نیروی خرد ورزی و عبرت گیری از گذشتگان

تقویت و پرورش حس زیبایی، دوستی و زیبایی شناختی

رشد اعتماد به نفس و پرورش روحیه شجاعت و ظلم ستیزی

آمادگی برای دریافت پیام های اخلاقی و انسانی

آرامش بخشی، رفع اضطراب و اختلالات رفتاری و تأمین بهداشت روانی

پرورش روحیه پرسش گری و تقویت نیروی خلاقیت .

دیگر راه هایی که می توان باورهای دینی را در کودکان تقویت کرد متون عرفانی هستند.

هر سرزمین و قومی برای زنده ماندن و ادامه حیات خویش باید به اصول و مبادی ای تکیه کند. ادبیات عرفانی ما یکی از مبادی است که بعد از اسلام چنین نقشی را برای پیشبرد فرهنگ و تمدن ایرانی و اسلامی ایفا کرده و موجب شناساندن پیشینه تاریخی و فرهنگی این قوم شده است به همین جهت کتیبه خیام، شاهنامه فردوسی، سماع مولانا و ترانه حافظ از کتاب هستی ما ایرانیان محسوب می شوند. در بررسی متون عرفانی فارسی می توان به مؤلفه ها و اصولی دست یافت که مبین شاخصه های اصلی هویت ایرانی است مانند:

۱- حقیقت جویی و آموزش افراد در کشف واقعیت و حقیقت

۲- خردورزی و دانش محوری

۳- تسامح و تساهل و مدارا

۴- منطق پرسشگری و استدلال از راه تمثیل و جدال احسن

۵- پرهیز از عجب و کبر

۶- احترام به مقامت و کرامت انسان از هر نژاد، قبیله، رنگ، عقیده و ...

سومین راه رصدگاه هویت دینی را می توانیم از طریق ادبیات انقلاب به کودکان آموزش دهیم.

در سالهای آغازین دهه شصت و پس از وقوع تهاجم همه جانبه عراق، به تدریج ارزشهای ملی، نمادها و نموده های ملی پایه پای ارزشها و نمادهای دینی در شعر چهره نمود. حال و هوای حماسی سروده ها به طرزی شگفت، ارزشهای دینی و ملی را در کنار هم نشانند و بر خلاف انگار آنان که این دو را با هم ناهمخوان و ناسازگار می دانند چنان تلفیق و پیوستگی ای میان این دو عنصر اتفاق افتاد که گویی چون جان و تن به هم آمیخته اند. از شاعران دفاع مقدس می توان از سلمان هراتی، اسرافیلی، قزوه، حسن حسینی و قیصر امین پور را نام برد. نکته ی قابل درنگ در شعر انقلاب و بارزتر و آشکارتر در شعر دفاع مقدس، حفظ سنتها و هویت ادبی کهن و تلفیق آن با ذهن و زبان و فضای تازه است.

روح و مرکز و محور شعرهای انقلاب، فرهنگ عاشورا و در نگاهی گسترده تر فرهنگ شیعی بود. این گونه شعر، ابعاد گم شده و طرح تا شده عاشورا و نهضت حسینی را متجلی کرد و برای شور آفرینی، شهادت جویی، مجاهدت و ایثار از همان عناصر

عاشورایی سود می برد. تجلی این ویژگی را می توان در همه عناصر دفاع مقدس رصد کرد. نام لشکرها، گردانها، نقش پیشانی بندها، شعارها، محتوای وصیت نامه ها، فراز سروده ها و هرچه و هر جا و هر کس که با دفاع مقدس پیوند می یافت حتماً نشانی از عاشورا و کربلا می گرفت. آشنا شدن کودکان با شعر انقلاب (دفاع مقدس) در واقع گوشه هایی از فرهنگ عاشورا که شامل موارد ذیل می باشد را فرا می گیرند.

۱- مجاهدت و حماسه که شامل پاکبازی و رشادت، خستگی ناشناسی و نبرد حماسی، گذشتن از آزمونگاه های سخت و دشوار، هویتی است که بری یاران حسین(ع) رقم زده است که در هیچ یک از حادثه های تاریخ اسلام نمی توان مشابه آن را یافت. در شعرهای قبل از انقلاب مانند شعر مشهور محتشم کاشانی با همه عظمت و زیبایی این بعد عاشورا را نمی توان یافت (سنگری، ۱۳۸۰، ص ۱۶۸). ولی در شعرهای دفاع مقدس مانند شعر خط خون موسوی گرمارودی هویت حماسی عاشورا با هویت حماسی دفاع مقدس به خوبی پیوند خورده است (محمدی نیکو و باقری، ۱۳۷۲).

۲- پیام عاشورا که شامل جوانمردی، پاکی، پاکبازی، پاکدامنی، همدلی، صمیمیت، عفاف، محبت، رازداری، ادب، فانی بودن دنیا و متعلقات آن، امر و معروف و نهی از منکر و ...

۳- سوگ و مرثیه: عاشورا تراژدی تلخ تاریخ اسلام است و قساوت و بیرحمی دشمنان بیداد می کند.

شیعه قرنهایست بر این سوگ طاقت سوز می گیرد و مرثیه می خواند. به فرموده امام صادق (ع): (آه کشیدن غمگین برای ستمی که بر ما رسیده است تسبیح است و اندوه او برای ما عبادت و پوشیدن راز ما جهاد در راه خداست) (قمی، ۱۳۶۴، ص ۷). اشک بر شهید، گواه حضور شهید در ماست و پیوند فکری و عاطفی وجودی ما با اوست.

۴- شیفتگی عارفانه: اگر شب عاشورا، یاران تشنه حسین در شط نیایش و زمزمه به نهایت صفا و پالایش رسیدند در حضور عارفانه و عاشقانه رزمندگان در جبهه نیز چنین شبهایی فراوان بود.

شعر دفاع مقدس و ملتقای هویت دینی و ملی است و پیوندگاه سنت گرایی و نوجویی در عرصه شعر انقلاب اسلامی است.

## ۱۰. جغرافیای ایران:

از جغرافیای پایدار ایرانی می توان به عنوان سمبل و نماد هویت ایرانی یاد نمود. گرچه دامنه حکومت های ایرانی گاه تا اروپا و آفریقا نیز رسیده است ولی از جمله معدود کشورهایی است که ظاهراً هیچ گاه از صفحه تاریخ محو نشده و علیرغم هجوم های بیگانگان پیش از اسلام (به وسیله اسکندر مقدونی) و بعد از اسلام (مغولها) مجدداً و به سرعت خود را بازیافته است. در ایران همواره ملتی مرتبط و دارای دردهای مشترک زیسته اند. حتی عناصر فرهنگی و تمدنی خود را بر دیگران نیز نفوذ داده اند (حائری، ۱۳۶۸، ص ۱۰۷-۱۲۴) از این رو ایران آمریکا نیست که سابقه جغرافیایی نسل موجود آن سه یا چهار قرن باشد و امارات متحده عربی نیز نیست که عمر کمتر از چهل ساله داشته باشد. به این سابقه طولانی در جغرافیای معین و حداقل در سطح و حد ایران موجود، می توان فخر نمود و از این طریق در مقابل اغیار، از هویت ایرانی سخن گفت. بعد جغرافیا نیز به جد مورد اهمیت بوده و حساسیتهای مسئولان در مقابل نام ایرانی «خلیج فارس» را که در این ایام از سوی بیگانگان مورد خدشه قرار می گیرد، باید به فال نیک گرفت و این حساسیتهای را در جامعه و در کودکان احیا کنیم و بر مبنای آن هویت خودی را شکل دهیم. در سرزمین پهناور چون ایران که شهرها و روستاهایش در شرق و غرب و شمال و جنوب پراکنده و دور از هم هستند و مردم هر نقطه لهجه خاص و فرهنگ ویژه خود را دارند وقتی فولکور (زندگینامه) هر منطقه یا هر طائفه را جداگانه بررسی و مطالعه می کنیم، خواهیم دید که با وجود اختلافات ظاهری، ریشه، پایه، منشأ و منبع همه ی آنها یکی است و همگی چون شاخه هایی پیونده خورده درخت واحدند که از یک ریشه تغذیه کرده اند و این خود محکم ترین سند وحدت ملی ایرانیان و دلیل قاطع بر پیوندها و پیوستگی های مردم این مرز و بوم است. (صدر، ۱۳۷۷) و این را باید به کودکان آموزش داد که به

گروههای قومی باید احترام گذاشت و از هر گونه تمسخر و توهین به گروههای قومی - مذهبی از لحاظ لهجه، پوشاک، خلق و خوی اجتناب کرد و باید بدانند که ویژگیهای گروههای قومی مختلف و فرهنگ مردم آنان در ایران چگونه به رشد و اعتلای فرهنگ ایرانی کمک می کند و خدای ناکرده فقط به یک گروه خاص توجه نکنیم که باعث تفرقه و تضعیف بین گروهها می شود و ممکن است ملت ، انسجام ملی خود را از دست بدهد و بیگانگان بیش از پیش به اهدافشان برای تسلط نزدیک و نزدیک تر شوند. در آخر یکی دیگر از راهکارهای تقویت هویت ملی در کودکانمان این است که به جای تولید لوازم التحریرهایی با نقش و نمای بتمن و بن تن یا عروسک های باری ، احترام به تولید نوشت افزارهایی با نقش و تصاویر شخصیت کارتونی داخلی مثل کلاه قرمزی، دارا و سارا و یا عکس هایی از شهدای هسته ای، شهدای دفاع مقدس یا چهره های برجسته فرهنگی، ادبی و اجتماعی ایرانی بپردازیم. چون نوشت افزارهای ایرانی و اسلامی در اقوامی فرهنگی ، به ترویج فرهنگ دینی و ایرانی می پردازد و تأثیر مستقیم بر شکل گیری اخلاق و فرهنگ صحیح کودکان می گذارد. خرید نوشت افزارهای تولید داخل و یا طرح های ایرانی - اسلامی علاوه بر کمک به رونق اقتصاد، تأثیر مستقیمی بر شکل گیری فرهنگ صحیح یا همان فرهنگ اصیل ایرانی - اسلامی در بین کودکان و دانش آموزان دارد . بنابراین در سنین کودکی و نوجوانی که فرهنگ رفتاری و اخلاقی شکل می گیرد اگر بتوانیم با استفاده از ابزارهای موجود مانند نوشت افزار برای معرفی الگوهای ایرانی - اسلامی استفاده کنیم قطعاً فرهنگ صحیح در فرزندانمان نهادینه می شود. بر این اساس شخصیت پردازی که در نوشت افزار ایرانی - اسلامی صورت می پذیرد هویت زا است و باید مسئولین فرهنگی در طراحی و ترویج این نوشت افزارها اهتمام جدی ورزند. (اسلامی، ۱۳۹۵)

## نتیجه:

قدرت و بی قدرتی فرهنگی ملی منوط به این نکته است که دو عشق در جامعه ایرانی قوی شود، یکی عشق به فرهنگ ملی و دیگری عشق به دولت یا عشق شهروندی است. پس تحقق هویت ملی در کودکان و دانش آموزان امری مهم و در خور توجه است در این راستا معلمان و برنامه ریزان درسی وظیفه ی خطیر و مهم بر عهده دارند و باتوجه به اهمیت یکایک مؤلفه های هویت از قبیل باورهای مذهبی، مراسم جشن ها و مناسک مذهبی، نمادها و هنجارهای ملی، ارزش های ملی، میراث فرهنگی، اسطوره های ملی و مذهبی و شناخت ویژگیهای جغرافیایی باید نسبت به تنظیم اهداف متناسب با دوره ها و گروه های سنی مختلف و نیز تهیه و تدوین و سازماندهی محتوای مناسب و استفاده از روشهای تدریس خلاقانه و انجام ارزشیابی های به موقع ، گام های مؤثری برای آموزش مطلوب مؤلفه های یاد شده بردارند. بنابراین همگامی و هماهنگی تمامی بخش های مختلف نظام آموزش و پرورش شرط اصلی موفقیت در این راه است ضمناً همکاری و همسویی دیگر نهادهای فرهنگی مانند خانواده، اجتماع، رسانه های گروهی، گروههای فرهنگی و هنری را نباید نادیده گرفت و وقتی به اهداف خود دست می یابیم که تمامی نهادهای فرهنگی و تربیتی با یکدیگر همسو و هماهنگ باشند.

## منابع:

- ۱- ابن مسکویه، احمد بن محمد، ابن مسکویه، ترجمه: شوشتری، تقی الدین محمد، ۱۳۷۴ ، تهران: موسسه فرهنگی کاوش
- ۲- احمدی، بابک، ۱۳۷۸، ساختار و تاویل متن، چاپ چهارم، تهران: نشر مرکز
- ۳- احمدی، حمید. ۱۳۸۲، هویت ملی ایران بنیادها و چالش ها و بایسته ها، نامه پژوهشی فرهنگی شماره ۶
- ۴- اسلامی ندوشن، محمدعلی، ۱۳۸۱، ایران و جهان از دیدگاه شاهنامه، تهران: امیرکبیر
- ۵- اسلامی ندوشن، محمدعلی، ایران را از یاد نبریم، چاپ اول ، تهران: توس بی تا
- ۶- اسلامی، ۱۳۹۵، هویت زایی صحیح برای کودکان و نوجوانان، نوشت افزارهای ایرانی، اینترنت



- ۷- البرز، پرویز، ۱۳۶۹، شکوه شاهنامه در آینه تربیت و اخلاق پهلوانان، تهران: دانشگاه الزهرا
- ۸- باطنی، محمدرضا، ۱۳۸۰، به زبان و تفکر، چاپ هفتم، تهران: آبانگاه
- ۹- باقری، مهتری، ۱۳۷۸، مقدمات زبان شناسی، چاپ پنجم، تهران: نشر قطره
- ۱۰- باوند، داود، ۱۳۷۷، چالش های برون مرزی و هویت ایرانی در طول تاریخ، ماهنامه اطلاعات سیاسی-اقتصادی سال ۱۲، شماره ۱۳۰-۱۲۹
- ۱۱- بوزان، باری، ۱۳۷۸، مردم، دولتها و هراس. ترجمه: پژوهشکده مطالعات راهبردی، تهران
- ۱۲- تفضلی، احمد، ۱۳۷۷، نگاهی به تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام، چاپ دوم، تهران: نشر سخن
- ۱۳- حائری، عبدالهادی، ۱۳۶۸، ایران و جهان اسلام، مشهد آستان قدس رضوی
- ۱۴- حیاتی، زهرا و حسینی موخر، سید محسن، ۱۳۸۶، از هویت ایرانی، تهران: نشر سوره مهر
- ۱۵- رزازی، افسر، چگونه هویت ملی را تقویت کنیم، نشریه عصر ما، شماره ۶۵۱
- ۱۶- روزنامه جام جم، ۱۳۹۶، انیمیشن های خارجی، انتشار دهنده: شهربانو، جمعه
- ۱۷- رضایی، سیدمحمد و جوکار، محمدصادق، بازشناسی هویت ملی و قانون اساسی، فصل نامه مطالعات ملی، شماره ۴
- ۱۸- رستگاری فسایی، منصور، هویت ایرانی در ادب فارسی، فصل نامه علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه یزد
- ۱۹- رستمی زاده، رضا، ۱۳۸۲، الگوهای تربیتی در قصص قرآن کریم، ماهنامه پیوند
- ۲۰- رواسانی، شاپور، ۱۳۸۰، زمینه های اجتماعی هویت ملی، تهران: نشر مرکز بازشناسی اسلام و ایران
- ۲۱- رهیاب، حسین، ۱۳۸۱، ماهیت، موانع و امکانات نوسازی هویت ایرانی، خودکاوی ملی در عصر جهانی، تهران: قصیده سرا
- ۲۲- زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۸۰، نه شرقی نه غربی، انسانی، تهران: نشر امیرکبیر
- ۲۳- سنگری، محمدرضا، ۱۳۸۰، عوامل معنوی و فرهنگی دفاع مقدس، نشر مرکز تحقیقات اسلامی
- ۲۴- شایگان، داریوش، ۱۳۸۰، با افسون زدگی جدید، هویت چهل تکه و تفکر سیار، ترجمه: ولیانی، فاطمه، تهران
- ۲۵- شفیعی فرهاد، حسین، ۱۳۸۷، قصه ها و داستان های قرآنی و پاسخی به نیازهای تربیتی کودکان، اینترنت
- ۲۶- صادقی نیا، سارا و بنی اسدی، مجید، ۱۳۹۴، بررسی میزان تاثیر کارتون ها بر الگوهای رفتاری کودکان، انتشار: اولین کنفرانس بین المللی هنر، صنایع دستی و گردشگری
- ۲۷- صدر، مینا، ۱۳۷۷، کثرت قومی و هویت ملی ایرانیان، اندیشه نو
- ۲۸- فصل نامه مطالعات ملی، ۱۳۷۹، فرهنگ و هویت ایرانی با فرصت ها و چالشها، سال نخست
- ۲۹- قمی، حاج شیخ عباس، نفس المهموم، ترجمه: شعرانی، ابوالحسن، ۱۳۶۴، چاپ سوم، نشر علمیه اسلامیة
- ۳۰- محمدی نیکو، محمدرضا و باقری، ساعد، ۱۳۶۴، شعر امروز، انتشارات کیهان



۳۱- مددپور، محمد، ۱۳۸۱، آیین فرهنگی شهرداری و دینداری از ایران باستان تا ایران اسلامی.، مولفه های هویت ملی ایران، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

۳۲- ملاصالحی، حکمت الله، ۱۳۸۱، میراث فرهنگی و مساله هویت.، نشریه اطلاعات

۳۳- موسسه مطالعات ملی، پاییز ۱۳۷۹، میزگرد سیر تحول تاریخی هویت ملی در ایران از اسلام تا به امروز، شماره ۵

۳۴- ناتل خانلری، پرویز، ۱۳۶۴، شهرسمک، تهران: نشر آگاه

۳۵- یوسفی، علی، ۱۳۸۰، روابط بین قومی و تاثیر آن بر هویت ملی اقوام در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، شماره ۸

Archive of SID